



۱

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"جهد: کوشش / صحبت: همنشینی کردن / طعن: سرزنش / خوض نمودن: سکوت کردن / استراق سمع: پنهانی گوش کردن / وجه: صورت"

(۱) یکی (۲) دو تا

(۳) سه تا (۴) چهارتا

۲

کتاب چهارمقاله

(۱) اثر نظامی گنجوی است. (۲) در قرن هفتم هجری قمری نوشته شده است.

(۳) دربارهٔ رابطهٔ پادشاه با نظامیان است. (۴) نام دیگر کتاب "مجمع‌النوادر" است.

۳

زمان افعال مضارع بیت زیر به ترتیب کدام است؟

"گر نور عشق حق به دل‌وجانت اوفتد / بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی"

(۱) اخباری، التزامی (۲) مستمر، التزامی

(۳) اخباری، اخباری (۴) التزامی، اخباری

۴

زمان افعال مضارع "شکند" و "کنم" در ابیات زیر به ترتیب کدام است؟

"یار دلدار من ار قلب بدین‌سان شکند ببرد زود به جان‌داری خود پادشاهش
جان به شکرانه کنم صرف گر آن دانهٔ دُر / صدف سینۀ حافظ بود آرامگهش"

(۱) اخباری، التزامی (۲) التزامی، التزامی

(۳) اخباری، اخباری (۴) التزامی، اخباری

۵

"راست" در کدام بیت، همان معنا و مفهومی را دارد که در عبارت "بزرگی، خرد و دانش راست" دارا است؟

(۱) کس می‌نزند دمی در این معنی راست / کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست

(۲) بیار بادهٔ رنگین که یک حکایت راست / بگویم و نکنم رخنه در مسلمانی

(۳) بازگویم نه که این صورت و معنی که تو راست / نتواند که ببیند مگر اهل نظرت

(۴) یاد باد آنکه به اصلاح شما می‌شد راست / نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود

"امیر خراسان را پرسیدند که تو فردی فقیر بودی و شغلی پست داشتی، به امیری خراسان چون افتادی؟ گفت: روزی دیوان
 "حنظله بادغیسی" همی خواندم، بدین دو بیت رسیدم:
 "محتری گر به کام شیر در است شو، خطر کن ز کام شیر بجوی
 یا بزرگی و عذّ و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی"
 داعیه‌ای در باطن من پدید آمد که به هیچ‌وجه در آن حالت که اندر بودم، راضی نتوانستم بود. دارایی‌ام بفروختم و اسب خریدم و
 از وطن خویش، رهلت کردم."

(۱) یکی (۲) دوتا

(۳) سه‌تا (۴) چهارتا

کدام دو آرایه در ابیات زیر یافت می‌شود؟

"مهتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی
 یا بزرگی و عذّ و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی"

(۱) تکرار، شخصیت‌بخشی (۲) شخصیت‌بخشی، تشبیه

(۳) شخصیت‌بخشی، مراعات نظیر (۴) مراعات نظیر، تکرار

به ترتیب "اسرارالتوحید" و "قابوس‌نامه" آثار چه کسانی است؟

(۱) ابوسعید ابوالخیر، عنصرالمعالی کیکاووس (۲) محمد بن منور، خواجه نصیرالدین توسی
 (۳) محمد بن منور، عنصرالمعالی کیکاووس (۴) ابوسعید ابوالخیر، خواجه نصیرالدین توسی

واژه‌ای که در متن زیر نادرستی املائی دارد، چه معنایی دارد؟

"آدمی باید جواب خود بر وجحی بگوید که در متقدّم طعن نکند و در محاوراتی که به حضور او رود خوض نکند."

(۱) گفت‌وگو (۲) اندیشه

(۳) پیشین (۴) صورت

"برود" و "نیست" در بیت زیر

"نام و ننگ ار برود در طلبش باکی نیست من که بدنام جهانم چه غم از ننگ مرا"

(۱) هر دو مضارع التزامی است.

(۲) اوّلی مضارع التزامی و دومی مضارع اخباری است.

(۳) هر دو مضارع اخباری است.

(۴) اوّلی مضارع اخباری و دومی مضارع التزامی است.

پیام و مفهوم کدام‌یک از ابیات زیر، متضاد و نفی‌کننده این دو بیت حنظلۀ بادغیسی است؟

"مهتری گر به کام شیر در است
یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه
شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا چو مردانت مرگ رویاروی"

- ۱) کوی نومیدی مرو امیدهاست سوی تاریکی مرو خورشیدهاست
- ۲) مرغ با پر می‌پرد تا آشیان پَر مردم همت است ای مردمان
- ۳) به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم
- ۴) حدّ خود بشناس و بر بالا مپیر تا نیفتی در نشیب شور و شر

کدام بیت با عبارت "داد ده تا داد یابی" در تضاد معنایی است؟

- ۱) جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز خراب می‌فکند بارگاه کسری را
- ۲) من همان به که از او نیک نگه دارم دل که بد و نیک ندیده است و ندارد نگهش
- ۳) چون که گر تو بد کنی زان دیو را باشد گناه و یکی نیکی کنی زان مر تو را باید ثنا
- ۴) چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است چو بر صحیفه هستی رقم نخواهد ماند

حکایت زیر را - که از کتاب "روضه خلد" برگزیده‌ایم - بخوانید و باتوجه‌به آن به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

آورده‌اند که یکی از ملوک را پسری شایسته بود که او را به‌غایت دوست داشتی. روزی با وزرا گفت: "فرزند را کدام حرفت بهتر که او را بر آن تحریض (تشویق) کنند؟" همه اتفاق کردند که علم شریف‌تر مایه و لطیف‌تر سرمایه است. ملک‌زاده را به طلب علم فرستادند. به اندک روزگاری، علم بسیار حاصل کرد. روزی به بازار بگذشت. امتحان را پیش بقالی (سبزی‌فروش) رفت که: "دسته‌ای تره به من ده تا تو را مسئله تعلیم کنم. " بقال گفت: "تره‌ای به مسئله‌ای نفروشم؛ زر بیار. "

می‌نیرزد به دسته تره‌ای پیش بقال، علم جالینوس
علم و حکمت به پیش دانا بر گاو و خر را بیار گاه و سبوس
(می‌نیرزد: نمی‌ارزد / جالینوس: پزشک مشهور یونانی)

نماز شام پسر به خانه رفت متغیر حال. ملک پرسید که: "سبب تغییر چیست؟" گفت: "رای وزرا خطا افتاد که به هنری اشارت کردند که به دسته تره نمی‌خرند." پادشاه گوهری نفیس به وی داد که: "پیش بقال بر و تره بستان." چون پیش بقال برد گفت: "تره را زر باید؛ نه به مسئله فروشم و نه به مهره." جواب پیش پدر آورد و پدر گفت: "پیش جوهری بر." برد و به ده هزار دینار قیمت کرد. ملک‌زاده را حقیقت حال معلوم شد که گوهر گران‌بها و علم را همه کس قدر و قیمت نداند.

معنای واژه "گوهر" در کدام بیت با معنای این واژه در این حکایت، یکسان نیست؟

- ۱) ز گوهر سفتن استادان هراسند که قیمت‌مندی گوهر شناسند
- ۲) تو برداشتی گوهر و سیم و زر تو بستی مر این رزمگه را کمر
- ۳) چون گوهر خویش را ندانستی تو خالق خویش را کجا دانی؟
- ۴) خندید و گفت: "آن‌که به فقر تو طعنه زد از دانه‌های گوهر اشکت، خبر نداشت"

در مصراع‌های زیر، نوع افعال مضارع به ترتیب کدام است؟

الف) رفتم، ار جان بدهم در طلبت، عمر تو باد

ب) میان ما و شما حاجت رسالت نیست

- (۱) اخباری، اخباری
 (۲) التزامی، اخباری
 (۳) اخباری، التزامی
 (۴) التزامی، التزامی

در کدام گزینه بر مفهوم عبارت "از گفتار خیره پرهیز کن." تأکید نشده است؟

- (۱) بسیاردان و کم‌گوی باش؛ نه کم‌دان بسیارگوی.
 (۲) بسیار گوی اگرچه خردمند باشد، مردمان عامه او را از جمله بی‌خردان شناسند.
 (۳) هر سخنی که بگویند، بشنو ولیکن به کار بستن شتابزده مباش.
 (۴) کم‌گوی و گزیده‌گوی چون دُر تا ز اندک تو جهان شود پر